

آه عشق من

فرهاد میرزا

ترجمه:

بسیار رافع



نشر چاهله



سرشناسه : پیربال، فرهاد
 عنوان و نام پدیدآور : آه عشق من / فرهاد پیربال
 مشخصات نشر : تهران : چلچله ، ۱۳۹۵ .
 مشخصات ظاهری : ۲۴۲ ص.
 فروست : نشر چلچله.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۲۵-۲۶-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : شعر کردی - قرن ۲۰
 موضوع : Curdish poetry -- 20th century
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ب۷ ۹۲۴۶ الف / PIR۸۱۱۴
 رده بندی دیویی : ۸۱۴/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۲۵۶۴۵



آه عشق من



@Chelchelahbook

فرهاد پیربال
 مترجم: اسطوره رادی
 ناشر: نشر چلچله
 نوبت چاپ: اول
 تاریخ چاپ: ۱۳۹۵
 تیراژ: هزار و صد نسخه
 قیمت: بیست هزار تومان
 صفحه آرای: یاسر عزآباد
 طراح جلد: محمد جهانی مقدم

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۰۰۶۹
 کلیه حقوق برای نشر محفوظ می باشد.

۴۰	Exil	۱۱	نوشتار مترجم:
۴۱	شعله	۱۵	سفر
۴۲	خانه بدوش	۱۷	روح پژمرده
۴۴	م	۱۶	هفت سالگی
۴۴	ر	۲۱	آرزو
۴۴	ک	۲۳	Hotel Pardis
۴۶	حکومت آتش کوردستان	۲۵	غ
۴۷	(۳)	۲۸	نام
۴۸	(۶)	۲۹	نامیدان
۵۰	(۷)	۳۱	سبزیف
۵۱	(۹)	۳۲	غروب ها
۵۱	به محله ی تیراوه	۳۴	سطح زمین
۵۳	به عزیز سلیم	۳۵	بیوگرافی
۵۴	به شب	۳۷	قرار
۵۵	به گدایان	۳۸	گناه
۵۶	به موسی آنتر	۳۹	۱۹۹۱-۱۹۷۴

۱۰۱	زندگی من در چند سطر	۵۷	به ترزه فایق جاف
۱۰۲	i	۵۸	به ۱۹۸۷
۱۰۳	شعری بسیار بلند برای مادرم	۵۹	به سرو احمد
	جانشینی ویرگول و دگرش	۶۰	به ونیز
	موقعیت مکانی واژه ها در مسیر	۶۱	به مادرم
	انفجار قهقهه‌ی توانایی‌های درک	۶۲	به پنجره
۱۰۴	گشته‌ی تشنه‌ی تنهایی...	۶۳	به شهر بزنس
۱۰۶	بی ارزش	۶۴	انتظار
۱۰۷	پرگار	۶۵	به فرهاد پیریال
۱۰۹	ن	۶۶	ترانه‌ی کارل سندبرگ
۱۱۰	قهرمان	۶۷	آوا
۱۱۳	به پدرم پیریال قصاص	۶۹	خاطر
۱۱۴	به شکر مصطفی	۷۳	۴۴ تعریف: ای - بیت
۱۱۵	به زیگموند فروید	۷۹	نرم‌ترین
۱۱۶	به نجمه الدین ملا	۸۱	اندروزها
۱۱۸	به ناباکوف	۷	درباره‌ی
۱۱۹	ژنرال شریف پاشا	۷۹	مهر
۱۲۱	به یک ثروتمند	۸۱	ارییل از دور
۱۲۴	فرانتس کافکا	۸۲	بزرگ‌خاندان
۱۲۵	به طباطبائی	۸۴	ته رته پیل
۱۲۶	به آیت الله	۸۶	م
۱۲۸	به هربرت مارکس	۸۸	اقتباس از یک شعر انگلیسی
۱۳۰	به یکی از عزیزان	۹۰	—m+
۱۳۱	به جلال طالبانی	۹۲	بوهم
۱۳۲	به مارکی دو ساد	۹۳	سبزترین زرد
۱۳۳	به ژدانف	۹۴	آغاز بدبختی‌های زندگی ام
۱۳۶	به جمیل صائب	۹۷	ترانه‌ی غریبه‌ای سر آبی و
۱۳۷	به محسن آواره	۹۷	دست و پا سفید
۱۳۸	به مودیلیانی	۹۹	شیونی ریم آلود
۱۴۰	به احمد ملا	۱۰۰	Apprivoise-moi

۱۹۱	به سرور احمد	۱۴۲	به فتودور داستایفسکی
۱۹۲	به نالی	۱۴۵	به پیمان بگوگ
۱۹۳	به دلشاد عبدالله	۱۴۷	به عبدالله طاهر برزنجه
۱۹۴	به فروغ فرخزاد	۱۴۸	به ابو نواس اهوازی
۱۹۶	الی الاخ معمر القذافی	۱۵۰	به قرنی جمیل
۱۹۸	«نخواست از او نام ببرم»	۱۵۱	به توماس ادیسون
۱۹۹	به کلنویاترا	۱۵۳	به تونی بلر
۲۰۰	به دیار قرداغی	۱۵۴	به شامس سراج
۲۰۱	به حمید قوامی	۱۵۶	به هارسلیم
۲۰۳	به عثمان صبری	۱۵۸	به ارنست همینگوی
۲۰۴	به شیرزاد حسن	۱۵۹	به بید علی صاد
۲۰۵	به آگوست استریندبرگ	۱۶۱	به شیرک بیک
۲۰۶	به صلاح عمر	۱۶۳	به دختران هواپا
۲۰۷	به کمال آتاترک	۱۶۵	به نوزاد رفعت
۲۰۸	به ناصر خسرو	۱۶۶	به برنارد کوشنر
۲۰۹	به غریب پشدری	۱۶۸	به فردریش نیچه
۲۱۱	به پسر رودان	۱۶۹	به هیمن
۲۲۲	به چارلز داروین	۱۷۱	به اردشیر رستمی
۲۳۰	به آلبر مو	۱۷۲	به اسماعیل برزنجه
۲۳۲	به دایز سانرا	۱۷۳	به مسعود بارزانی
۲۳۸	به حمد وره	۱۷۴	به بهختیار علی
۲۳۹	به پارلم سارها خفتی پیر	۱۷۵	به کی یرکگور
۲۴۰	به فلینی	۱۷۷	به ابو صباح
۲۴۱	به آزاد شوقی	۱۷۸	به موسی آنتر
۲۴۱	به بتهوون	۱۷۸	به خانم مستوره ی اردلان
		۱۷۹	به امیلی برونته
		۱۸۰	به سعدالله پروش
		۱۸۳	به لنین
		۱۸۷	به محمد علی خان
		۱۸۹	به د. عزیز گردی

نوشتار مترجم

«جنون هشیاری»^۱

معرفی و بررسی آثار و نوشته‌های بیش از این شخصیت بزرگ بدون شک صفحات و مدت مدیدی را سی طلبید. لذا در این مختصر به شخصیت این چهره‌ی ممتاز ادبی بسند و پرداختن به آثار وی را به چاپ‌های بعد موکول خواهم کرد.

این هنر-مرد را به صراحت و به جرات می‌توان یوانه‌ترین عاقل، منتقد و یکی از فعال‌ترین چهره‌های ادبی راجت‌عمی جست در کوردستان نامید. شخصیتی که به همه کس و همه چیز انتقاد دارد. او نقش و نمونه‌ی بارز و کامل یک روشنفکر را برهنده کرده است. اگر بخوایم به صورتی کلی‌تر به ترسیم چهره‌ای از چنین پدیده‌ای بپردازیم، درواقع این شاعر مساوی با مسئولیت است؛ و

۱. این عنوان برگرفته از کتاب «بودلر، جنون هشیاری» اثر ارزشمند اندیشمند ایرانی داریوش شایگان می‌باشد.

همانگونه که در کتاب و نوشته هایش بوضوح مشاهده می شود این نویسنده ی بزرگ به کل بشریت می اندیشد و مسئله جهانشمولیت را مهم مرکزی در آثارش می داند، به عبارتی این انسان برجسته، هم اگریستانسیالیست است، هم یگانه، هم متفاوت و هم منتقد، این پژوهشگر هم مجرم است و هم گناهکار، درواقع وی دردمند است و دردهایش مثل دردهای مردم زمانه نیست، بلکه از درد مردم زمانه اش است، با نگاهی به آثار ارزشمند این شاعر بزرگ کورد، درخواستیم یافت که وی به معنای واقعی کلمه یک انسان مدار است، به عبارتی تر می زند، ها را در خود دارد و مجموعه و گنجینه ای است متفاوت از صفاها، مرم های گوناگون و مختلف هنری، و هر روز در پی ترکیب و تغییر و نقد و آفرینش و تجربه های ادبی و شعری تازه و نو می باشد. متفکر است که عظیم ترین اندیشه های بشری را در آثار خود به کار می برد، چون وجدان بیدار جامعه است و دشمن سرسخت هر نوع ایدئولوژی، معتدلسازی به هر ساختاری، او آنارشیکستی است که فرسخ ها... را در می خورد و مرزها را می شکند و در قبال هر چیزی مسئول و پاسخگوست، این نویسنده ی بزرگ، هم از سکوت می پرهیزد و هم سکوت می کند، هم می خرد و هم غرغش اش بنیادها را درهم می ریزد و بنیادش بی بنیادی است. چرا که به سوی ابرانسان شدن گام می نهد، او هم به مقام ابژگی ظاهر می شود و هم در هیئت سوزگی قرار می گیرد، وی هم چرخ محرک جامعه اش شده است و هم متغعل می شود و هم مفعولیت اثر را می ساز بازفاعل بودنش، درواقع وی موجودی است سیاسی و وجودآفرینی که سیاسی کننده ی هست هاست، این شخصیت عجیب، به باور من یکی از جدی ترین آغازگران کنش های آزاد ادبی- اجتماعی مدرن- پست مدرن و پایان دهنده ی واکنش هر قدرت و سلطه و سانسوری

بر ادبیات - اجتماع کورد به شمار می رود، در واقع او را می توان همان خود کنش نامید. به عبارتی وی پدیده ای است طاغی و دازایی اصیل، و پشت هر چیزی مرگ را تشخیص می دهد، و زندگی را در مرگ - هر چیزی، جستجو می کند، وی هم می آفریند و هم ویران می کند، کوتاه اینکه او دیالکتیک عجیبی است و در کل، هیچگاه اغوای سکس و قدرت نشده و در هیچ رسانه ای تکثیر نمی شود، چرا که هنرمندی است با هاله و اصالتمندی خاص خود و مهمتر از همه صمیمی است همیشه «معرض».

فرهاد پیربال شاعر، نویسنده، پژوهشگر، استاد دانشگاه و یکی از جنجا برانگترین شخصیت های کورد معاصر است. پیربال در سال ۱۹۶۱ در جنوب کوردستان در اربیل متولد شد. سال ۱۹۸۴ از دانشگاه «سمایه» فارغ التحصیل و در همان سال عضو اتحادیه ی نویسندگان کورد در کرمانشاه می شود و نخستین کتاب خود که نمایشنامه ای است تحت عنوان «بارود... وطنم» را به چاپ می رساند. این انسان صلح طلب و باخاطر سر باز زدن از خدمت سربازی برای رژیم بعث و عدم شرکت در جنگ عراق - ایران، سرزمینش را ترک می کند و برای مدت شش ماه آواره ی ایران در کرج و تهران می شود. وی سپس از آنجا به آلمان و آمارک می رود و دو سال نیز در آنجا می ماند و با گواهی دولتی آلمان که از سوی انستیتوی کورد پاریس در آلمان تقسیم بندی می شده یعنی می شود به فرانسه برود و چند سال نیز در آنجا ماندگار شود. پیربال در سال ۱۹۹۴ به کوردستان باز می گردد. و درست یک هفته

۱. اتحادیه ی نویسندگان کورد متشکل از جمعی از نویسندگان و شاعران کورد بودند که به دلیل فشار و خفقان و سانسورهای شدید رژیم بعث در آلمان به کوهها پناه برده بودند.

فرهاد پیربال

بعد از اتمام مقطع دکترا از دانشگاه سوربن در پاریس، در زمینه ی «تاریخ ادبیات مدرن کوردی» حکم استخدامش از سوی دانشگاه صلاح الدین صادر می شود.

این شاعر و نویسنده ی آواره، زمانی که در آلمان و دانمارک بوده به عنوان سرپرست بخش ادبی، خبرنگار و عضو هیئت تحریریه، در مجلات و روزنامه های گوناگونی از جمله «هاله» و «دم نو» در استکهلم، «اتحاد» و «دروازه» در دانمارک، «امید» در پاریس و همچنین مجلات و روزنامه های متعدد دیگری قلم زده و نقش آفرینی کرده است.

از سال ۱۹۹۱ که به کردستان بازمی گردد در روزنامه ی «کردستان نو» مسئول صفحات، و در مجله ی «ترجمه» که از سوی وزارت فرهنگ مسرمان شده سردبیر بوده، و همچنین در روزنامه ها و مجلات زیاد دیگری به عنوان نویسنده حضور داشته است.

وی هم اکنون در شهر ریبیل زندگی می کند و تاکنون بیش از ۶۰ کتاب و چندین مقاله ی ارزشمند در زمینه های گوناگون ادبی، تاریخی، هنری، پژوهشی و... چاپ رسانیده و سردبیر و بنیانگذار مجله ی «ویران» بوده و یکی از نادر نویسندگان طول تاریخ کردستان می باشد که ادعای برنده شدن در جایزه نوبل ادبی را دارد و با آثارش توانسته انقلابی عظیم در خیل و نسل جوانان و دانشمندان این دیار بوجود بیاورد.

۱۳۹۵/۷/۱۹

باسط مرادی